



The effect of the legitimacy of motivation in tortious liability

Mahdi Beiki Shouraki¹ | Abbas Karimi²

1. PhD in Private Law, Department of Law, Javad-ol-A'emmeh Higher Education Center, University of Applied Science and Technology, Yazd, Iran. Email: mahdi_beiki@yahoo.com
2. Corresponding Author, Professor, Department of Private Law, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: abkarimi@ut.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 10 December 2023

Revised: 30 June 2024

Accepted: 10 September 2024

Available online 28 September 2024

Keywords:

Legitimate motive, Tortious liability, Damages, Benevolence (Ihsān), Legitimate defense.



ABSTRACT

An individual whose actions cause damage to another may act without motive (as in most accidents), with an illegitimate motive such as usurper, or with a legitimate motive. The primary instances of legitimate motive include benevolent intent (Ihsān), exercising one's right, and legitimate defense. This study examines the effect of legitimate motive on tortious liability and the limitations of invoking it to exempt liability, employing a descriptive-analytical methodology. In Imami jurisprudence and Iranian law, the principle is no-fault liability where motive generally does not affect liability. However, legitimate motive constitutes one of the grounds for exemption from tortious liability. That said, mere benevolent intent or the intention to prevent harm or benefit another is insufficient to exempt liability; the act itself must also be objectively justified. The limitations of legitimate motive include compliance with legal provisions, technical standards, safety principles, and reasonable boundaries. In cases of doubt regarding tortious liability and its removal due to legitimate motivation, tortious liability is applied.

Cite this article: Beiki Shouraki, M., Karimi, A. (2025). The effect of the legitimacy of motivation in tortious liability. *Civil Jurisprudence Doctrines*, 17(31), 173-203.

<https://doi.org/10.30513/cjd.2024.5705.1926>



© The Author(s).

Publisher: Razavi University of Islamic Sciences.



تأثیر مشروعیت انگیزه در ضمان قهری

مهدی بیکی شورکی^۱ | عباس کریمی^۲

۱. دکترای تخصصی حقوق خصوصی، مدرس دانشگاه، گروه حقوق، مرکز آموزش عالی جوادالائمه(ع)، دانشگاه

علمی کاربردی، یزد، ایران. رایانامه: mahdi_beiki@yahoo.com

۲. نویسنده مسئول، استاد، گروه حقوق خصوصی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: abkarimi@ut.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

کسی که رفتارش موجب ورود خسارت به دیگری می‌شود، ممکن است انگیزه‌ای نداشته باشد، نظیر اکثر تصادفات، یا انگیزه‌اش نامشروع باشد مانند غاصب، یا انگیزه وی مشروع باشد. مهم‌ترین موضوعاتی که ذیل انگیزه مشروع مطرح می‌شود، انگیزه احسان، اجرای حق خود و دفاع مشروع می‌باشد. هدف این مقاله بررسی تأثیر انگیزه مشروع در ضمان قهری و محدودیت‌های استناد به آن در رفع ضمان قهری، با روش توصیفی-تحلیلی است. در فقه امامیه و حقوق ایران اصل بر مسئولیت بدون تقصیر است و انگیزه در ضمان نقشی ندارد. با این حال، انگیزه مشروع یکی از مسقطات ضمان قهری است. البته صرف انگیزه احسان و صرف دفع ضرر یا جلب منفعت دیگری، برای رفع ضمان کافی نیست، بلکه عمل نیز باید مطابق واقع باشد. محدودیت‌های انگیزه مشروع شامل رعایت قانون، موازین فنی، اصول ایمنی و حدود متعارف می‌باشد. با تردید در ضمان قهری و سقوط آن به سبب انگیزه مشروع، ضمان قهری اعمال می‌شود.

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۹

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۵/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۰

تاریخ انتشار برخط:

۱۴۰۳/۰۷/۰۷

کلیدواژه‌ها:

انگیزه مشروع، ضمان قهری، خسارت، احسان، دفاع مشروع.



استناد: بیکی شورکی، مهدی؛ کریمی، عباس. (۱۴۰۴). تأثیر مشروعیت انگیزه در ضمان قهری. آموزه‌های فقه مدنی،

۱۷(۳۱)، ۱۷۳-۲۰۳. <https://doi.org/10.30513/cjd.2024.5705.1926>



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

مقدمه

انگیزه به معنای سبب، باعث، علت و آن چیزی است که کسی را به کاری برانگیزد (عمید، ۱۳۹۱، ص ۱۹۹). در اصطلاح حقوقی نیز انگیزه را چنین می‌توان تعریف کرد: غرض به عنوان فکری که قبل از اقدام به انجام کاری در خاطر انسان آمده و فکر رسیدن به آن، محرک انسان برای آن کار باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ص ۴۸۹) و همچنین جهت، که هدف شخصی هر کس در عمل حقوقی می‌باشد و با توجه به اشخاص مختلف و اوضاع مختلف متفاوت است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ص ۲۰۲). این موضوعات بیشتر در مورد اعمال حقوقی مطرح می‌شود که حکم آن در ماده ۲۱۷ قانون مدنی آمده است که نیازی به تصریح جهت معامله نیست، ولی اگر تصریح شده باشد باید مشروع باشد و در فرض نامشروع بودن، معامله باطل است. همچنین در موضوعات کیفری نیز انگیزه مهم است. اما می‌توان انگیزه را در مورد برخی از مصادیق تحقق ضمان قهری نیز مطرح نمود که شخص با انگیزه‌ای اقدام می‌نماید و خسارت وارد می‌شود. در تفکیک انگیزه و قصد مرتکب در تحقق رفتار زیان‌بار باید هر مورد را دقیق بررسی نمود. برای مثال، ممکن است انگیزه تخریب در خانه همسایه نجات جان او باشد، درحالی که قصد تخریب، داشتن طرح یا نقشه برای چگونگی انجام این کار است. بنابراین، این دو اصطلاح با یکدیگر متفاوت‌اند و این سؤال که چرا در خانه همسایه را تخریب کرد، ارتباطی با این سؤال ندارد که آیا او قصد تخریب داشت یا نه.

پیشینه بحث: در مورد انگیزه و تأثیر آن در مسئولیت، برخی پژوهش‌ها انجام شده است، نظیر پژوهشی با عنوان «بررسی انگیزه و تأثیر آن در مسئولیت کیفری» که هرچند انگیزه جزء ارکان مسئولیت کیفری محسوب نمی‌شود، اما می‌تواند در نوع و میزان مجازات مرتکب تأثیرگذار باشد (زارعت، ۱۳۸۳، ص ۲۳). همچنین نقش قاعده احسان در معافیت از جبران خسارت نیز در فرضی که محسن دارای حسن نیت بوده باشد و زیان وارده بیش از زیان اول نباشد، عمل او فاقد مسئولیت دانسته شده و دلیل آن نیز چنین مطرح شده که اگر با نیکوکار همانند زیان‌کار رفتار شود باعث می‌شود که اشخاص از احسان به دیگران خودداری کنند (نصوری، ۱۳۹۷، ص ۶۷). در پژوهشی، ارتباط بین قاعده

احسان با اسباب اصلی ضمان بررسی شده که در این مورد نیز در فرض تحقق شرایط قاعده احسان، آن را موجب سقوط ضمان و براءت ذمه مرتکب دانسته‌اند (خزائی، ۱۳۹۸، ص ۲). در پژوهشی دیگر، در مورد نقش مسئولیت مدنی در قاعده احسان بحث شده که به بررسی شمول دفع ضرر و جلب منفعت در مورد قاعده احسان پرداخته شده است (محمدی، ۱۳۹۹، ص ۷۰۲).

حال، در این پژوهش تلاش می‌شود تا ارتباط انگیزه در تحقق ضمان قهری و محدوده تأثیر مشروعیت انگیزه در ضمان قهری بررسی گردد که نگاه جدیدی است. با این توضیح که ابتدا باید علاوه بر این که انگیزه مشروع را در نظر می‌گیریم، فرض‌های مختلف وجود انگیزه در تحقق ضمان قهری را بررسی نماییم و سپس به این موضوع بپردازیم که آیا صرف انگیزه مشروع در رفع ضمان قهری کفایت می‌کند یا خیر؟ برای پاسخ باید انگیزه مشروع را با در نظر گرفتن ارکان مسئولیت مدنی بررسی کرد. سؤال دیگر این که در صورت عدم کفایت انگیزه مشروع در رفع ضمان قهری، چه موارد و نکاتی باید رعایت شود تا بتوان به استناد مشروعیت انگیزه، انگیزه مشروع را رافع مسئولیت مدنی دانست، و در نهایت تأثیر مشروعیت انگیزه در ضمان قهری را تحلیل و بررسی نمود. پژوهش حاضر از این باب دارای نوآوری است.

بحث انگیزه بیشتر در حقوق کیفری مطرح شده است و در ذیل عنصر معنوی تجزیه و تحلیل می‌شود. در ضمان قهری موافق با اصل، به انگیزه کمتر توجه شده و حتی برای تشخیص تقصیر، متعارف یا نامتعارف بودن رفتار مرتکب مهم است و به انگیزه در آن، دخالت چندانی داده نمی‌شود. با این حال، گاهی انگیزه مرتکب نیز اهمیت دارد. در قوانین کشورمان به مشروعیت انگیزه در ضمان قهری به عنوان قاعده‌ای کلی توجهی نشده است و همان گونه که توضیح داده شد، در دکترین حقوقی کم‌وبیش از آن سخن به میان آمده است. بنابراین باید دید آیا مشروعیت انگیزه در ضمان قهری تأثیری دارد یا خیر؟ برای پاسخ، ابتدا باید تأثیر مشروعیت انگیزه در تحقق ضمان قهری، سپس تأثیر مشروعیت انگیزه در رفع ضمان قهری را بررسی نمود.

۱. تأثیر مشروعیت انگیزه در تحقق ضمان قهری

برای تحقیق در این زمینه، ابتدا باید تأثیر مشروعیت انگیزه در تحقق رفتار زیان بار و سپس تأثیر مشروعیت انگیزه در تبیین رابطه سببیت را بررسی کرد.

۱-۱. تأثیر مشروعیت انگیزه در تحقق رفتار زیان بار

در راستای تحلیل همه جانبه و کامل از موضوع، باید حالت های مختلف و قابل تصور آن را بررسی نمود. در این فرض، گاهی مرتکب هیچ انگیزه ای نداشته یا انگیزه او هیچ تأثیری در وقوع رفتار زیان بار نداشته است. اما در مقابل، گاهی شخص با داشتن انگیزه ای، مرتکب رفتار زیان بار می شود.

۱-۱-۱. فقدان انگیزه و عدم تأثیر آن در تحقق رفتار زیان بار

در خیلی از موارد نظیر حوادث رانندگی، شخص هیچ گونه قصد و انگیزه ای برای ایراد خسارت به دیگری ندارد. همچنین به عنوان قاعده کلی برای تحقق ضمان قهری، وجود قصد و انگیزه ضرورتی ندارد. در بحث ضمان قهری، به طور کلی کسی که رفتارش موجب ایراد خسارت به دیگری شده ضامن است و تفاوتی در آگاهانه بودن رفتار مرتکب یا سهوی بودن و مکلف یا غیر مکلف بودن نیز وجود ندارد (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۳، ص ۱۲۱). به هر حال، شخصی که به دیگری ضرری وارد کرده بدون این که قصد و انگیزه ای داشته باشد ضامن است. ماده ۳۲۸ ق.م. بر همین مبنا تلف مال را اعم از این که عمدی باشد یا غیر عمدی موجب ضمان دانسته و در تسبیب نیز ماده ۳۳۱ همان قانون، مسبب تلف مال را ضامن شمرده است. در قانون مجازات اسلامی نیز در بحث موجبات ضمان، اصل بر مسئولیت بدون تقصیر گذاشته و رابطه سببیت را ملاک قرار داده است. بنابراین اگر شخص هیچ قصد و انگیزه ای نداشته باشد، اما بر اثر رفتارش آسیبی به کسی وارد شود ضامن است. برای مثال، مستتب از ماده ۵۰۲ ق.م.ا اگر کسی خود را از بلندی پرت کند و باعث ایراد آسیب به دیگری شود ضامن است، حتی اگر قصد و انگیزه او خودکشی و رهایی از مشکلات دنیوی باشد.

۱-۲. وجود انگیزه و تأثیر آن در تحقق رفتار زیان بار

همان گونه که توضیح داده شد، گاهی انگیزه شخص، زمینه ارتکاب رفتار زیان بار است.

در این حالت نیز باید با دقت، بین دو فرض تفکیک دقیقی قائل شد: یکی این که انگیزه شخص نامشروع بوده، و دیگر این که شخص با انگیزه مشروع اقدام به رفتار زیان‌باری نموده است.

۱-۲-۱-۱. تأثیر انگیزه نامشروع در تحقق رفتار زیان‌بار

گاهی اشخاص از روی قصد و با انگیزه نامشروع نظیر اقدام غاصب، به دیگری خسارت وارد می‌کنند. از لحاظ حقوقی، کسی که انگیزه نامشروع نداشته باشد مشمول ضمان قهری می‌شود. در این مورد به طریق اولی کسی که انگیزه‌اش نامشروع باشد نیز مشمول ضمان قهری خواهد بود. انگیزه نامشروع غاصب به صراحت در ضمان موثر دانسته شده است، زیرا در غصب، عدوانی و نامشروع بودن، موجب تحقق ضمان است. وقتی کسی مالی را غصب کرد و مال تلف شد نه تنها نیازی به اثبات تقصیر غاصب نیست، حتی اگر غاصب ثابت کند که تلف مال به دلیل حوادث قهری بوده است نیز موجب رفع ضمان از وی نمی‌شود.

در روایت سمره به نظر می‌رسد وقتی پیامبر اکرم(ص) مشخص کردند که انگیزه سمره نامشروع است، دستور کندن درخت او را دادند، زیرا اگر او اولین درخواست پیامبر اکرم(ص) را می‌پذیرفت، یعنی حاضر بود با خبر دادن، وارد ملک مرد انصاری شود ضرر منتفی بود، ولی حضرت هر پیشنهادی دادند مخالفت کرد؛ پیشنهادهایی که اگر هر انسان عاقل و بااخلاقی آن‌ها را از زبان پیامبر(ص) می‌شنید، حتماً می‌پذیرفت. بنابراین یکی از معیارهای حضرت توجه به انگیزه نامشروع سمره بود، هرچند معیار اصلی قاعده لاضرر، ضرر غیرمتعارف باشد. در تقصیر عمدی، انگیزه نقش مهمی دارد و دادرس با بررسی اوضاع و احوال، انگیزه فاعل را می‌یابد. همچنین بیمه مسئولیت تقصیر عمدی، باطل است (امامی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۷۰۵)، زیرا قراردادی خلاف نظم عمومی است. بنابراین خسارت ناشی از انگیزه نامشروع تحت شمول ضمان قهری قرار می‌گیرد و مسئولیت به دنبال خواهد داشت.

۱-۲-۱-۲. تأثیر انگیزه مشروع در تحقق رفتار زیان‌بار

گاهی شخص با انگیزه مشروع اقدام می‌کند، ولی در نتیجه رفتار او به دیگری خسارت

وارد می‌شود. برای مثال، هر گاه شخصی با انگیزه آسفالت کوچه، ابتدا در کوچه گودبرداری نماید و در نتیجه آن به یکی از همسایگان خسارتی وارد شود، خسارت به دیگری وارد شده، ولی انگیزه شخص مشروع بوده است. البته بررسی این که آیا انگیزه مشروع وی رافع مسئولیت است یا خیر، در ادامه، بررسی خواهد شد.

در زمینه‌های دیگری نیز انگیزه مشروع وجود دارد. یکی از آن موارد، انگیزه محسن است که با انگیزه احسان اقدام می‌کند، اما از روی اتفاق، به دیگری خسارت وارد می‌شود. در این مورد، انگیزه وی مشروع است. البته در این فرض، انگیزه مشروع وی تحت عنوانی کلی مطرح است و در خصوص رفع ضمان محسن باید آن را مشمول قاعده احسان دانست که ممکن است با رعایت شرایطی، ضامن جبران خسارت نباشد.

همچنین یکی از مصادیقی که در حقوق تحت عنوان اضرار مباح یا شرایط توجیه‌کننده نام برده می‌شود، دفاع مشروع می‌باشد که حق اشخاص است در مقابل مهاجم دفاع کنند، نه تنها حق بلکه تکلیف است حتی اگر دفاع او منجر به ایراد خسارت یا مرگ مهاجم شود (خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۸۷). بنابراین ممکن است شخص با انگیزه مشروع برای حفظ جان، مال و ناموس خود یا دیگران اقدام به دفاع کند و به متجاوز خسارت وارد شود.

۲-۱. تأثیر مشروعیت انگیزه در تبیین رابطه سببیت

برای تحقق ضمان قهری سه رکن وجود ضرر، فعل زیان‌بار و رابطه سببیت ضروری است. فرض بر این است که ضرر با همه شرایط آن محقق شده است. اما یکی از معیارهای فعل زیان‌بار نامشروع بودن آن می‌باشد و ضرری که در نتیجه فعل نامشروع وارد می‌شود موجب ضمان قهری است (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۳۱۱ و ۳۱۲). در مواردی که ضرر زدن مباح است نظیر دفاع مشروع، آن ضرر ویژگی لازم برای تحقق ضمان قهری را ندارد. البته حتی فعلی که قانون آن را مجاز دانسته است و یا هر فعل مباحی، اگر حدود متعارف و شرایط قانونی آن رعایت نشود موجب ضمان است (امامی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۳۹۹ و ۴۰۰). اگر انگیزه مشروع شخص با واقعیت مطابقت نداشته باشد نیز ضمان قهری جاری است، برای مثال، اگر کسی با انگیزه مشروع، به تصور مهدورالدم بودن دیگری، او را به قتل برساند، اکثر

فقه‌ها فقط حکم قصاص را جاری نمی‌دانند و آن را قتل شبه‌عمد می‌شمارند و دیه را به قوت خود باقی می‌دانند (معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۲۰۸-۲۱۹). بنابراین صرف وجود انگیزه مشروع رابطه سببیت را قطع نمی‌کند و ضمان قهری جاری است.

صاحب جواهر پس از آوردن روایت امام صادق(ع) که می‌فرماید: «مَنْ أَضَرَّ بِشَيْءٍ مِنْ طَرِيقِ الْمُسْلِمِينَ فَهُوَ لَهُ ضَامِنٌ»، توضیح می‌دهد که در صورتی تصرف در راه مسلمانان موجب ضمان قهری است که به مصلحت مسلمانان نباشد. پس اگر کسی سنگی را در وسط آب و گل که در مسیر عموم است قرار دهد تا مردم بتوانند از روی آن عبور کنند یا گودالی را پر کند، چون این کارها برای مصلحت مسلمانان انجام شده است، حتی اگر به کسی هم آسیب برسد، اقدام‌کننده ضامن نیست. صاحب جواهر در ادامه می‌نویسد: شاید اقدام‌کننده به این دلیل ضامن نیست که چنین مواردی از موارد ضرر رساندن که روایت گفته است، نبوده و در این مورد، اصل بر براءت است (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۳، ص ۹۸ و ۹۹). هرچند به طور صریح به انگیزه مشروع اقدام‌کننده که همان انگیزه احسان است اشاره نشده، اما همین که جهت و هدف را برای مصلحت مسلمین قرار داده، می‌توان گفت انگیزه مشروع مدنظر بوده است. همچنین با استدلال اخیر که در صورت تحقق ضرر آن را از مصادیق ضرری که در روایت آمده ندانسته‌اند، استنباط می‌شود که به دلیل نقص رکنی از ارکان ضمان قهری، اقدام‌کننده را ضامن نمی‌دانند. البته طبق قاعده نباید ضرر جبران‌نشده بماند، مگر استثنائات آن نظیر قاعده اقدام یا تقصیر زیان‌دیده. اما در مواردی که تقصیر ابتدایی نظیر خرابی کوچه که به خاطر آن، محسن برای مصلحت مردم و در حدود قانونی، ایمنی و متعارف اقدام کرده و زیان‌دیده نیز تقصیر نکرده است، باید مسئولانی که تقصیر کرده‌اند را ضامن دانست.

برخی معتقدند اگر کسی امکان احسان به دیگری برایش فراهم باشد و کمک نکند و شخص فوت شود ضامن نیست. برای مثال، شخصی در حال غرق شدن است و او توانایی کمک کردن دارد، اما خودداری نماید، آن را گناه می‌دانند، اما موجب ضمان نمی‌دانند، زیرا رابطه سببیت برقرار نشده و مباشرت هم نبوده است، لذا ضامن نیست (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۳، ص ۱۵۳)، مگر این که به موجب قانون یا قرارداد تکلیفی بر عهده شخص قرار گرفته

باشد (امامی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۴۰۱ و ۴۰۶). پس اگر کسی به دیگری کمک نکرد و به او خسارت وارد شد، رابطه سببیت برقرار نشده است و ضامن نیست. مفهوم مخالف این فرض آن است که اگر کمک کرد و از روی اتفاق خسارت به طرف مقابل وارد شد، رابطه سببیت برقرار است. در نقطه مقابل، یعنی در بحث انگیزه نامشروع، رابطه سببیت در تحقق ضمان قهری در مورد غصب و شبه غصب جاری نمی شود، زیرا مسئولیت غاصب نسبت به مال مغضوب مستند به عدوان و استیلا نامشروع او بر مال دیگری است که قبل از تلف تحقق یافته است (طاهری، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۳۷۹؛ مطهری، بی تا، ج ۲۰، ص ۳۸۵). مستند به ماده ۳۱۵ ق.م غاصب در هر صورت، ضامن تلف یا نقص مال است، هرچند مستند به فعل او نباشد. این موضوع مختص حقوق اسلامی است، درحالی که در حقوق فرانسه مطابق ماده ۱۲۴۰ قانون تعهدات فرانسه (اصلاحات ۲۰۱۶) هر شخصی که ضرر منتسب به او باشد، مکلف به جبران خسارت است. بنابراین مسئولیت غاصب نیز تحت عنوان قواعد کلی مسئولیت مدنی قرار می گیرد و چنین استثنایی برای آن تعیین نشده است. به هر حال، در حقوق ایران در نقطه مقابل غاصب، جایی تصریح نشده است که اگر کسی با انگیزه مشروع به دیگری خسارت بزند، رابطه سببیت قطع می شود.

اکنون نمونه هایی از تأثیر انگیزه مشروع در تحقق رابطه سببیت یا عدم تحقق آن و آثار این انگیزه مشروع را بررسی می کنیم.

اگر پزشکی با انگیزه احسان به بیمارش بگوید که بیماری اش خطرناک است و بیمار بر اثر اطلاع از بیماری دچار ناراحتی روانی شدید یا دیوانگی شود، آورده اند که این گفته پزشک سبب دیوانگی بیمار تلقی نمی شود (نجیب حسنی، ۱۳۹۱، ص ۶۷). همچنین این گونه نیز تحلیل شده است که هر گاه پزشکی با هدف جلوگیری از سرایت بیماری واگیردار، شخص را در قرنطینه نگهداری کند، از موانع انتساب فعل زیان بار به پزشک است (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ص ۳۲۲). به نظر نگارندگان، حتی اگر انگیزه پزشک انگیزه مشروع دیگری غیر از احسان به بیمار باشد، با وجود انگیزه مشروع یکی از مصادیق عدم ضمان است. برای نمونه، اگر پزشک برای پیشگیری از سرایت بیماری مسری و واگیردار بیمارش در جامعه به وی بگوید که بیماری شما خطرناک و واگیردار است و نکات پزشکی را به وی هشدار دهد و بیمار دچار مشکل اعصاب و روان و یا جنون شود،

پزشک ضامن نخواهد بود، زیرا انگیزه مشروع پزشک برای هشدار به بیمار مبنی بر اهمیت رعایت دستورات پزشکی است، بنابراین پزشک ضامن نیست. اما هر گاه انگیزه پزشک نامشروع باشد و یا فراتر از حدود متعارف و مقررات پزشکی اقدام کند، ضامن است. بنابراین هر چند به ظاهر اطلاع دادن پزشک به بیمار منجر به ناراحتی روانی یا دیوانگی بیمار شده است، اما به دلیل وجود انگیزه مشروع، رابطه سببیت را نمی‌توان برقرار دانست، زیرا ناراحتی روانی بیمار یا دیوانگی او را عرفاً نمی‌توان مستند به رفتار پزشک دانست، بلکه سبب آن، ضعف روانی و معنوی بیمار در تحمل واقعیت بیماری است. بنابراین در این مورد انگیزه مشروع پزشک موجب عدم ضمان وی می‌باشد.

همچنین در رابطه سببیت معیار این است که عرف ضرر وارده را به کسی منتسب کند. بنابراین، انگیزه مشروع که متعاقب آن عملی نظیر دفاع مشروع یا احسان صورت گرفته و از روی اتفاق خسارتی به دیگری وارد شده است نیز باید از مواردی دانست که رابطه سببیت عرفی وجود ندارد. حتی برخی معتقدند که در جست‌وجوی علت فاعلی ضرر، انگیزه‌ها که همان علت غایی‌اند دخالت دارند و این اختلاط باعث می‌شود که رابطه سببیت از یک رابطه مادی، فلسفی و علمی محض فراتر رود و عوامل دیگری از جمله عامل معنوی، انصاف و اخلاق در آن مطرح شود. باید رابطه سببیت را با توجه به عرف و دلایل مربوط به هر موردی جداگانه بررسی کرد (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۴۷۲؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۴۶-۵۳).

اگر فعلی مشروع باشد، رابطه سببیتی میان فعل و نتیجه وجود نخواهد داشت. رابطه سببیتی که در منطقی حقوقی و بر مبنای عدالت پذیرفتنی نباشد یا پذیرش آن از حیث مصالح اجتماعی وجهی نداشته باشد، کنار گذاشته می‌شود (نجیب حسینی، ۱۳۹۱، ص ۴۹۳ و ۴۹۴). معیار عرفی سببیت، معیار مناسبی است و وقتی کسی انگیزه مشروع داشته باشد، عرف رابطه سببیت را برقرار نمی‌داند. این استدلال در خیلی از فرض‌ها موضوعیت دارد. از طرف دیگر، در برخی موارد که انگیزه مشروع در ضمان قهری وجود دارد، رابطه سببیت جاری است، اما چون انگیزه مشروع توسط قانون حمایت شده است، رابطه سببیت برای مطالبه خسارت قابل استناد نمی‌باشد. عرف نیز رابطه سببیت را در برخی از موارد که انگیزه مشروع وجود دارد جاری می‌داند، اما خسارت را قابل مطالبه نمی‌داند. این

استدلال عمومیت دارد، به‌ویژه در موردی که کسی با انگیزه مشروع مال دیگری را عمداً تلف کند تا جلوی ضرر بیشتر مالک را بگیرد، نمی‌توان رابطه سببیت را منتفی دانست. همچنین در موردی که کسی با انگیزه دفاع مشروع به دیگری خسارت زده یا او را به قتل رسانده باشد، عرف نمی‌گوید که مدافع ضرر نزده یا مهاجم را نکشته است. پس رابطه سببیت وجود دارد، اما انگیزه مشروع مدافع با رعایت حدود قانونی رافع ضمان قهری است. هرچند می‌توان به قاعده اقدام نیز استناد نمود که مهاجم خودش بر علیه خود اقدام کرده است. با این حال، دادگاه با بررسی وجود انگیزه مشروع و رعایت شروط آن، حکم به سقوط ضمان قهری می‌دهد.

در موردی که سبب اقوای از مباشر، مباشر ضامن نیست نیز می‌توان به مشروعیت انگیزه مباشر استناد نمود، البته غیر از مواردی که مباشر فاقد قصد است. برای مثال، هر گاه قاضی به استناد شهادت دروغ شهود، حکمی صادر کند، چون انگیزه قاضی مشروع بوده است، جهل او نسبت به موضوع که بیانگر انگیزه مشروع است رافع ضمان قهری است و رابطه سببیت را باید به شهادت دروغ شهود و ضرر جاری کنیم.

تسبیب در صورتی منجر به ضمان قهری می‌شود که در نظر عرف، تجاوز و عدوان باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۱۶۱)، اما عرف کسی را که با انگیزه احسان اقدام کند متجاوز نمی‌داند. همچنین به استناد ماده ۵۳۶ ق.م.ا اگر دو سبب باعث ایراد خسارت شود و یکی از اسباب با مجوز قانونی و مشروع باشد، آن سبب مقصر نیست و سبب نامشروع ضامن است. بنابراین در فرضی که دو سبب وجود داشته باشد و یکی از آنها دارای انگیزه مشروع و دیگری بدون انگیزه یا با انگیزه نامشروع باشد، سببی که انگیزه مشروع داشته است ضامن نیست. البته فرض دیگری نیز می‌توان مطرح نمود که اگر هر دو، انگیزه مشروع داشته باشند، ولی یکی از آنها بنابه دلایل دیگری مجاز به این کار نبوده باشد (برای مثال، اصول ایمنی را رعایت نکرده باشد)، او ضامن است.

۲. تأثیر مشروعیت انگیزه در رفع ضمان قهری

در تحلیل انگیزه مشروع، با دو موضوع نزدیک به هم مواجه می‌شویم: یکی احسان و دیگری انگیزه مشروع در فرضی که داخل در عنوان احسان قرار نگیرد. به دلیل ارتباط

نزدیک بین احسان و انگیزه مشروع و برای شفاف شدن بحث، بهتر است این دو موضوع در دو قالب مجزا و به تفکیک تحلیل شوند. بنابراین ابتدا تأثیر انگیزه احسان در رفع ضمان قهری و پس از آن، تأثیر انگیزه مشروع در رفع ضمان قهری را بررسی می‌کنیم.

۲-۱. تأثیر انگیزه احسان در رفع ضمان قهری

۲-۱-۱. تأثیر انگیزه احسان به طور عام در رفع ضمان قهری

طبق نظر برخی از فقهای امامیه، قاعده احسان از مسقطات ضمان است (مراغی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۴۷۵؛ کاشف الغطاء، ۱۳۵۹، ج ۱، ص ۹۲؛ بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۹، ۱۲ و ۱۳؛ مکارم، ۱۳۹۱، ص ۱۰۷؛ جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۳، ج ۷، ص ۳۰، ۳۱ و ۳۲). بر مبنای آیه کریمه ﴿مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ﴾ (توبه / ۹۱)، خداوند هر راه را که موجب ضرر نیکوکاران شود ممنوع کرده و هر گونه ملامت و ندامت بر آنها را نفی نموده است و با حکم آیه ﴿هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ﴾ (الرحمن / ۶۰) هیچ ضمان و غرامتی بر عهده نیکوکار نیست (کاشف الغطاء، ۱۳۵۹، ج ۱، ص ۹۲؛ بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۹، ۱۲ و ۱۳؛ مکارم، ۱۳۹۱، ص ۱۰۷؛ جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۳، ج ۷، ص ۳۰، ۳۱ و ۳۲)، زیرا ضامن دانستن محسن موجب ضرر و زیان محسن است، درحالی که ضرر و زیان به محسن نفی شده است (مراغی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۴۷۵). اگر احسان انجام شد، باید بهتر از آن یا حداقل مطابق همان احسان، با محسن برخورد شود و ضامن دانستن محسن خلاف آیه قرآن است (هوشمند و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۲۹۰). در تعریف احسان باید بر این نظر صحه گذاشت که احسان کار مشروعی است که برای جلب منفعت یا دفع ضرر از دیگران انجام شود (مراغی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۴۷۶ و ۴۷۷؛ بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۱۶). بنابراین احسان موجب سقوط ضمان قهری است. برای مثال، شخصی که با انگیزه احسان نسبت به خاموش کردن آتش خانه دیگری اقدام می‌کند و از روی اتفاق خسارتی به مالک وارد می‌شود ضامن نیست.

در مورد این که یک اقدامی به مصلحت مردم هست یا نیست و مصادیق آن چگونه است، در فقه امامیه اختلاف نظر وجود دارد. صاحب جواهر بحث کرده است که برخی معتقدند اگر کسی در مسیر مردم حفاری کند به نحوی که به نفع مسلمین باشد، چون جایز است و اذن امام از ولایت مالک بر مالش برتری دارد، اقدام‌کننده مسئولیتی ندارد.

نظر دیگر این که اگر مفسده نداشته باشد جایز است، زیرا آنچه شارع اجازه داده عاری بودن از هر گونه مفسده و زشتی است، پس اگر مفسده‌ای در آن باشد ضمان باقی است (نک: نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۳، ص ۱۰۲ و ۱۰۳) و در صورت ایراد خسارت به دیگران رافع ضمان نیست. در تحلیل این بحث از یک نگاه می‌توان این گونه بررسی نمود که وقتی کاری مصلحت است که مفسده‌ای نداشته باشد، یعنی اگر کسی گودالی در مسیر مردم حفر کند، چون احتمال دارد کسی در آن بیفتد این به مصلحت نیست، حتی اگر یک نفر در آن بیفتد و صدمه ببیند، بیانگر این است که کندن آن جایز نبوده و حفرکننده ضامن است. به نظر می‌رسد با در نظر گرفتن شرایط می‌توان گفت که در خیلی از موارد اقدامی به مصلحت مسلمین هست، ولی ممکن است بخشی از حقوق مردم تضییع شده یا احتمال ورود ضرر وجود داشته باشد. برای مثال، برای احداث خیابان ناچار به خاک‌برداری و ایجاد گودال هستیم، پس ممکن است منجر به ضرر کسی شود. اما این اشکال را با معیار رعایت حدود متعارف می‌توان حل کرد. بر این اساس، هر کسی قصد دارد در مسیر عبور مردم کاری به مصلحت مردم انجام دهد، باید اقدامات متعارف برای جلوگیری از ضرر رسیدن به مردم را نیز فراهم نماید. همچنین برای احراز انگیزه احسان و این که آیا انجام چنین کاری به مصلحت مسلمین هست یا خیر، باید به عرف مراجعه کنیم. عرف از ضررهای قابل اغماض چشم‌پوشی می‌کند؛ عرف می‌پذیرد اقتضای جدول‌گذاری و آسفالت، ناهموار شدن کوچه و محدودیت تردد برای چندین روز است، ولی این محدودیت‌ها، انگیزه احسان محسن و مصلحت بودن را از بین نمی‌برد. در این راستا ماده ۵۰۹ ق.م.ا بر این استدلال صحه می‌گذارد و برای تشخیص مصلحت مردم، معیار را مقررات قانونی و نکات ایمنی دانسته است که اگر رعایت شود و از روی اتفاق به کسی خسارتی وارد شود، مرتکب ضامن نخواهد بود.

حال سؤال مطرح دیگر این است که آیا محسن حتماً باید انگیزه احسان نیز داشته باشد یا انگیزه احسان ضرورتی ندارد؟ در پاسخ، سه فرض و نظریه قابل تصور است:

فرض اول: صرف انگیزه احسان برای این که شخص محسن شناخته شود کافی است و ضرورتی ندارد که فعل او با واقعیت منطبق باشد. بر این مبنا اگر کسی حیوان گم‌شده‌ای را با انگیزه برگرداندن آن به صاحب مال بگیرد، ولی آن را اشتباهاً به کسی

تحويل دهد که مالک نباشد، ضامن نیست (خمینی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۳۹۲).

فرض دوم: انگیزه احسان هیچ جایگاهی ندارد. فقط فعل شخص باید منطبق با واقعیت باشد. اعتقاد اشخاص در مفاهیم اشیا دخالتی ندارد و فقط آنچه واقع می‌شود مهم است. بنابراین اعتقاد به احسان و قصد احسان را لازم ندانسته‌اند و معتقدند حتی اگر شخصی بدون انگیزه احسان، رفتاری مرتکب شود که عادتاً از ضرر جلوگیری می‌کند یا منجر به جلب منفعت برای دیگری می‌شود، شخص مشمول قاعده احسان است و اگر خسارتی وارد شود ضامن نیست (بجنوردی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۳۴ و ۳۵؛ زراعت، ۱۳۹۰، ص ۱۳۷). بررسی این موضوع نیز اهمیت دارد که اگر مرتکب با انگیزه نامشروع، به دیگری خسارت بزند، اما ورود این خسارت به نفع صاحب مال شود، آیا رافع مسئولیت است؟ برای مثال، مرتکب با انگیزه انتقام‌جویی لاستیک‌های خودروی کسی را بترکاند، متعاقب آن، سارقی قصد سرقت آن خودرو را نماید، ولی به دلیل ترکیدگی لاستیک خودرو موفق به سرقت نشود، آیا می‌توان شخصی که لاستیک‌های خودرو را ترکانده، اما نتیجه کار او منجر به پیشگیری از سرقت شده است را محسن شناخت؟ برخی معتقدند که عناوین و مفاهیم واقعی، موضوع حکم شرعی‌اند و همیشه باید احسان واقعی را ملاک قرار داد، حتی اگر فاعل قصد ضرر زدن به مالک را داشته باشد (زراعت، ۱۳۹۰، ص ۱۳۷). طبق این نظر، در هر صورت، کسی که باعث رفع ضرر و جلب منفعت دیگری شده باشد، حتی اگر انگیزه او نامشروع باشد، محسن شناخته می‌شود. بر همین مبنا گفته شده است که شخص نیکوکار می‌تواند هزینه‌هایی که در اثر احسان متحمل شده است را حتی اگر با قصد قربت انجام نداده باشد، از ذی‌نفع بگیرد (سروی مجد، ۱۳۹۳، ص ۲۰۷). در ایراد به این نظر می‌توان گفت که صرف انطباق با واقع و یا حتی رعایت شرایط به‌ظاهر قانونی کفایت نمی‌کند، بلکه انگیزه نیز مهم است. برای مثال، کار پزشک صرفاً با انگیزه درمان مجاز دانسته می‌شود، ولی اگر انگیزه پزشک انتقام‌جویی یا انجام آزمایش‌های علمی بر روی بیمار باشد، محسن نیست (نجیب حسینی، ۱۳۹۱، ص ۶۹). از طرف دیگر، انگیزه احسان به‌عنوان یکی از استثنائات ضمان قهری است و نمی‌توان آن را به عموم موارد تسری داد، مگر این که واقعاً انگیزه احسان وجود داشته باشد، مثل همان قصه حضرت خضر(ع) که انگیزه ایشان مشروع بود، یعنی قایق را سوراخ کرد تا قایق غصب نشود (کهنف/۷۹). وقتی کسی را که

انگیزه احسان ندارد مشمول قاعده احسان نمی‌آوریم، به طریق اولی نباید کسی را که انگیزه نامشروع داشته است، محسن شناخت. عرف نیز کار کسی را که انگیزه احسان ندارد ستایش نمی‌کند. همچنین با استناد به حکم عقل می‌توان گفت کسی که انگیزه ضرر زدن داشته است، حتی اگر عملش از روی اتفاق موجب رفع ضرر بیشتر از زیان دیده شده باشد، نمی‌توان کار او را خیرخواهانه و احسان دانست.

فرض سوم: علاوه بر انگیزه احسان، فعل محسن نیز باید با واقعیت منطبق باشد. صرف انگیزه احسان برای سقوط ضمان کافی نیست، بلکه باید جلب منفعت و دفع ضرر دیگری نیز موضوعیت داشته باشد (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۱۶۴؛ لطفی، ۱۳۷۹، ص ۱۴۳ و ۱۴۴). برای مثال، اگر کسی حیوان دیگری را بدون اذن او در منزل خود ببندد و شخص دومی با انگیزه رهایی حیوان از دست وی و برگرداندن حیوان به مالک، حیوان را از محل امن رها کند و حیوان توسط درندگان تلف شود، چون حیوان را به محل امنی هدایت نکرده و از آن محافظت ننموده است و مجرد انگیزه احسان فایده دنیوی و واقعی ندارد، رافع ضمان اقدام‌کننده نیست (کرمانشاهی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۴۰۵). پس نظر کامل و صحیح‌تر این است که برای این که شخصی مشمول قاعده احسان قرار گیرد، هم باید دارای انگیزه احسان باشد، هم کار او با واقعیت مطابقت داشته باشد (مراغی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۴۷۸؛ محقق داماد، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۳۰۶؛ مصطفوی، ۱۴۲۱، ص ۲۸؛ طاهری، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۲۶۸ و ۲۶۹). در نظر عرف و عقلا نیز شخصی که قصد و انگیزه احسان نداشته باشد، محسن شناخته نمی‌شود، همچنان که شخصی که انگیزه احسان دارد، اما رفتار او نامتعارف و غیرایمن باشد، ضامن است و محسن تلقی نمی‌شود.

ماده ۵۱۰ ق.م.ا مقرر می‌دارد: «هر گاه شخصی با انگیزه احسان و کمک به دیگری رفتاری را که به جهت حفظ مال، جان، عرض یا ناموس او لازم است، انجام دهد و همان عمل موجب صدمه و یا خسارت شود، در صورت رعایت مقررات قانونی و نکات ایمنی، ضامن نیست».

بنابراین به درستی و به تبعیت از فقه امامیه (مراغی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۴۷۵؛ کاشف‌الغطاء، ۱۳۵۹، ج ۱، ص ۹۲؛ بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۹ و ۱۲ و ۱۳؛ مکارم، ۱۳۹۱، ص ۱۰۷؛ جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۳، ج ۷، ص ۳۰ و ۳۱ و ۳۲)، انگیزه احسان به عنوان عامل سقوط ضمان قهری پذیرفته شده

و در رابطه با فرض‌های پیش گفته نیز قانون فرض سوم را پذیرفته و برای این که شخصی محسن محسوب شود، داشتن انگیزه احسان را شرط دانسته، و حتی به صراحت از اصطلاح «انگیزه» استفاده نموده است. پس نظری را پذیرفته است که انگیزه احسان وجود داشته باشد و رفتار محسن نیز با واقعیت منطبق باشد. برای تطبیق رفتار محسن با واقعیت دو معیار به دست داده است. به عبارت دیگر، دو محدودیت برای محسن شناخته شدن قائل شده است که شامل رعایت مقررات قانونی و نکات ایمنی می‌شود. از مفهوم مخالف این ماده این نتیجه حاصل می‌شود که اگر کسی با انگیزه احسان بدون رعایت مقررات قانونی یا نکات ایمنی رفتار نماید و موجب خسارت شود ضامن است.

آورده‌اند که هر گاه شخص عاقل و بالغی که در بدنش توموری دارد به دیگری امر کند که تومور را قطع نماید و بیمار بر اثر قطع آن بمیرد، مرتکب ضامن دیه نیست (حلی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۵۷۲)، چون محسن بوده و با انگیزه احسان اقدام نموده است، مگر این که قطع کردن آن غالباً کشنده باشد و قطع کننده آن را می‌دانسته است. در این فرض، مرتکب ضامن است و همچنین اگر قطع کردن غالباً کشنده باشد، چه مرتکب بداند و چه نداند، و مریض بمیرد، طبق نظر قوی‌تر مرتکب را ضامن دانسته‌اند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۶۶۹ و ۶۷۰). البته با توجه به پیشرفت علم و ضابطه مند شدن درمان، امروزه کمتر این موضوع مطرح می‌شود، زیرا برای درمان باید پزشک تخصص لازم را داشته باشد و شرایط درمان رعایت شود. با این حال، این فرض در موارد نادر موضوعیت دارد. البته نوعاً کشنده بودن رفتار، حتی با مجوز بیمار و انگیزه احسان مرتکب، موجب رفع ضمان نیست.

در این که قاعده احسان در اتلاف نیز جاری می‌شود یا خیر اختلاف نظر هست. آورده‌اند نظر مشهور فقها این است که قاعده احسان در اتلاف جاری نمی‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۱۶۲). در صورت تعارض قاعده احسان با قاعده اتلاف، آیا باید محسن را مشمول قاعده احسان بدانیم و ضمان قهری را رفع کنیم یا به استناد قاعده اتلاف ضامن بدانیم؟ با توجه به اطلاق قاعده احسان و بررسی دقیق موضوع و مصادیق آن به حکم عقل باید در مواردی قاعده احسان را در اتلاف جاری دانست (بجنوردی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۳۶ و ۳۷ و ۴۰). در مواردی که محسن عمداً مالی از زیان دیده را تلف کرده است، اما انگیزه او

جلوگیری از ضرر بیشتر یا جلب منفعت برای زیان‌دیده بوده که در عرف با واقعیت نیز منطبق باشد، قاعده احسان حاکم است. برای مثال، اگر شخصی برای پیشگیری از گسترش آتش در زمین کشاورزی دیگری که به وسایل اطفای حریق دسترسی ندارد، محصولات نزدیک آتش را تلف کند، نمی‌توان به استناد قاعده اتلاف، او را ضامن شناخت و از اجرای قاعده احسان جلوگیری کرد، بلکه بنابر استدلال فوق، قاعده احسان حاکم است و محسن ضامن نیست.

گاهی انگیزه شخص، احسان به عموم مسلمین است (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۳، ص ۱۰۲؛ رشتی، بی تا، ص ۳۳؛ حلی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۶۵۴؛ خمینی، بی تا، ج ۲، ص ۵۶۴) که با نام اقدام‌های انسان‌دوستانه عمومی شناخته می‌شود که ممکن است محسن حتی شخص خاصی را قصد نکرده باشد (محقق داماد، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۳۰۶). در فقه امامیه، شخصی که انگیزه احسان به عموم نیز داشته باشد، مشمول قاعده احسان قرار می‌گیرد. با این حال، آورده‌اند که اگر شخصی چاهی را در مسیر عموم و با انگیزه انتفاع عمومی حفر کند و از روی اتفاق، دیگری در آن بیفتد و فوت کند، در پاسخ گفته شده است که اگر حفر چاه با اذن امام بوده باشد مرتکب ضامن نیست، در غیر این صورت، ضامن است (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۷، ص ۱۸۶). مشابه این موضوع در ساخت مسجد نیز مطرح شده است (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۳، ص ۱۰۳ و ۱۰۴). بر این مبنا در هر فرضی که محسن از امام اذن نگرفته و اقدام او از روی اتفاق منجر به خسارتی شده باشد، ضامن دانسته شده، که البته قابل تأمل است. این گونه استدلال شده است که امام منفعت و مصلحت مسلمین را تشخیص می‌دهد. به نظر نگارندگان، می‌توان این نظر را از این جهت پذیرفت که موضوع مهم در آن، بر همان مبنایی است که حدودی را برای قابل استناد بودن انگیزه احسان جهت رفع ضمان قهری قائل شده و هر کسی نمی‌تواند با استناد به این که انگیزه من احسان بوده است، خود را ضامن نداند. پس باید معیاری تعیین نمود. این موضوع امروزه با رعایت مقررات که حکومت وضع می‌کند و همچنین حدود متعارف و ایمنی در قوانین موضوعه مشهود است. در همین راستا ماده ۵۰۹ ق.م.ا مقرر می‌دارد: «هر گاه کسی در معابر یا اماکن عمومی با رعایت مقررات قانونی و نکات ایمنی، عملی به مصلحت عابران انجام دهد و اتفاقاً موجب وقوع جنایت یا خسارت گردد، ضامن نیست».

انگیزه خیرخواهانه مرتکب در این ماده نمایان است، هرچند به حق، انگیزه مشروع را به تنهایی کافی ندانسته است، بلکه باید همراه با رعایت قانون و نکات ایمنی باشد. حکمی مشابه این در ماده ۵۱۴ همان قانون آمده است که اگر کسی مانعی را که موجب آسیب است از جای نامناسب بردارد و در راستای مصلحت عابران در جای مناسب‌تری قرار دهد ضامن نیست. بنابراین اگر مانع را در محل نامناسب‌تری قرار دهد ضامن است. پس می‌توان این مبنا را در نظر گرفت که هر گاه کسی با انگیزه احسان، کاری را که در عرف به مصلحت مسلمانان باشد، با رعایت مقررات قانونی و اصول ایمنی آن انجام دهد، محسن محسوب می‌شود و اگر از روی اتفاق خسارتی به دیگری وارد شود ضامن نخواهد بود.

صاحب جواهر فرضی را مطرح نموده است که کشتی‌بان برای تعمیر کشتی در حال حرکت در آب، اقدام نموده است. صاحب جواهر در هر حالتی که رابطه سببیت برقرار شود، کشتی‌بان را ضامن می‌داند، حتی اگر تعمیر کشتی بر کشتی‌بان واجب یا به مصلحت مسافران و صاحبان کالا باشد (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۳، ص ۱۱۳). اما این فرض را می‌توان تفکیک کرد که اگر کشتی‌بان از ابتدای سفر قوانین و اصول ایمنی و حدود متعارف سلامت کشتی را متناسب با مسافری و بار رعایت نکرده یا تقصیر کرده و یا در حین مسافرت در کشتی تقصیر کرده باشد، ضامن است و در آن بحثی نیست. اما اگر در حین مسافرت در دریا بر اثر حادثه قهری کشتی خسارت ببیند و مصلحت مسافران اقتضا کند که کشتی‌بان نسبت به تعمیر کشتی در دریا اقدام نماید، در این فرض، تکلیف کشتی‌بان تعمیر کشتی است. باز اگر کشتی‌بان در اقدام به تعمیر تقصیر کرد، در این حالت نیز ضامن است، اما در صورتی که تقصیر نکند و تمام تلاش خود را با رعایت اصول ایمنی و مقررات قانونی با انگیزه حفظ سلامتی مسافران و اموال آن‌ها به کار گیرد، به نظر می‌رسد باید او را مشمول قاعده احسان دانست، زیرا ضرورت تعمیر کشتی در دریا ناشی از تقصیر یا اقدام عمدی کشتی‌بان نبوده و او به عنوان محسن اقدام کرده و تقصیر نیز نکرده است، پس نمی‌توان او را ضامن شمرد. همچنین می‌توان گفت رابطه سببیت به کشتی‌بان مرتبط نیست و باید خسارت را ناشی از قوه قهریه دانست.

همچنین در فرضی که شخصی بیماری واگیرداری دارد و نکات ایمنی و احتیاطات

لازم را رعایت نکند و اقدام به انجام عملی خیرخواهانه نظیر اهدای خون نماید، در صورتی که به بیماری خود آگاهی داشته باشد، انگیزه احسان او رافع مسئولیت مدنی وی نخواهد بود و مطابق ماده ۵۱۰ قانون مجازات اسلامی ضامن خواهد بود (یزدانیان و ثقفی، ۱۳۹۳، ص ۴۴). بر این نظر نیز باید صحه گذاشت، زیرا صرف انگیزه احسان رافع مسئولیت محسن نیست و محسن باید موارد ایمنی و مقررات قانونی را نیز رعایت کند.

در دفاع مشروع از دیگری که شخص، در مقابل مهاجم از او دفاع می‌کند، چون مدافع دارای انگیزه احسان است، اگر به مهاجم خسارتی وارد شد ضامن نیست (خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۸۷؛ شوشتری، ۱۴۲۷، ج ۲، ص ۵۷ و ۵۸). البته باید شرایط تبصره ۱ ماده ۱۵۶ ق.م.ا، مانند این که شخص ناتوان از دفاع بوده است، فراهم باشد. همچنین، در فرضی که شخصی برای حفاظت از دیگری اقدام نماید، اما خسارتی به وی وارد شود، در صورتی که محسن مقررات قانونی و ایمنی را رعایت کرده باشد ضامن نیست.

در بحث اضطرار نیز کسی که با انگیزه احسان برای دفع ضرر از دیگری به او خسارتی وارد می‌کند، به موجب قاعده احسان ضامن نیست. همین‌طور است در موردی که محسن برای دفع ضرر از شخصی به شخص دیگری خسارت وارد می‌کند، چون انگیزه احسان داشته است، نمی‌توان محسن را ضامن دانست و متضرر باید خسارت را از کسی که از این ضرر منتفع شده است، تحت عنوان استیفاکننده بلاجهت مطالبه کند (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۳۲۸). برای مثال، اگر کسی برای نجات شخصی که آتش به او سرایت کرده است، از پتوی دیگری استفاده کند، محسن ضامن نیست. همچنین کسی که با انگیزه احسان برای دفع ضرر از جامعه خسارتی به دیگری وارد کند، محسن خواهد بود و ضامن نیست. قانون نیز باید از کسانی که احساس مسئولیت می‌کنند حمایت کند (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۳۲۸ و ۳۲۹). به نظر می‌رسد اگر برای دفع ضرر از جامعه خسارتی به کسی وارد شود، می‌توان قائل به این شد که متضرر بتواند آن را از بیت‌المال مطالبه نماید. برای مثال، اگر کسی برای جلوگیری از پیشروی دشمن، مزرعه دیگری را آتش بزند، محسن شناخته می‌شود و ضامن نیست، اما چون زیان وارده در راستای منافع عمومی بوده است، زیان‌دیده می‌تواند آن را از بیت‌المال مطالبه کند.

پزشک در معالجه محسن است، اما ضامن نیز می‌باشد. ماده ۴۹۵ ق.م.ا پزشک را

ضامن دیه دانسته است، مگر این که عمل او مطابق مقررات پزشکی و موازین فنی باشد یا برائت اخذ نموده و تقصیر نکرده باشد. ماده ۵۱۰ همان قانون نیز محسن را در صورت رعایت مقررات قانونی و نکات ایمنی ضامن ندانسته است. بنابراین اصل بر ضمان قهری است، ولی با اثبات رعایت شرایط قانونی، موازین فنی و ایمنی و انگیزه احسان، ضمان قهری مرتفع می‌شود. در فرض شک نسبت به این که آیا محسن ضامن است یا نه، باید ضمان قهری را جاری دانست.

۲-۱-۲. تأثیر انگیزه احسان تأدیبی در رفع ضمان قهری

سؤال این است که هر گاه تأدیب کننده با انگیزه تأدیب، اقدام کند و خسارتی به کودک وارد شود، آیا انگیزه او تأثیری در رفع ضمان قهری دارد؟ تأدیب و تربیت نیز احسان شناخته شده است (شیرازی، ۱۴۲۹، ج ۳، ص ۳۴۷). هر گاه تأدیب کننده، با انگیزه تأدیب، به شخص خسارت وارد کند باید قاعده احسان را جاری دانست. البته برای تربیت ابتدا باید از طرقی غیر از تنبیه و ضرب، اقدام نمود و در آخرین مرحله، آن‌هم با رعایت شرایط تأدیب، می‌توان شخص را تنبیه کرد (شیرازی، ۱۴۲۹، ج ۳، ص ۴۲۵).

در مورد انگیزه تأدیب و ضمان قهری سؤال شده است که اگر شوهری زنش را و پدر یا جد پدری فرزندش را، با انگیزه تأدیب تنبیه کند، اما اتفاقاً منجر به فوت شود، آیا دیه بر عهده مرتکب قرار می‌گیرد؟ برخی از فقها آورده‌اند که تأدیب زن و فرزند همانند تعزیرات حاکم شرع است و دیه ندارد (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۱۷۹)، اما نظر غالب این است که چون تأدیب مشروط به سالم ماندن آن‌هاست، قتل شبه‌عمد بوده است و باید دیه پردازد و مجوز شرعی تأدیب، منافاتی با ضمان ندارد (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۱، ص ۶۶۹؛ حلی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۵۷۲؛ مجلسی، بی‌تا، ص ۶۷؛ شهید اول، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۲۸۳؛ شهید اول، ۱۴۱۰، ص ۲۶۵) و در صورت فوت و نقص تنبیه‌شونده، ضامن است (خمینی، بی‌تا، ص ۵۶۰؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۳، ص ۴۴ و ۴۵). حتی صاحب جواهر آن را به عنوان یک اصل در نظر گرفته و در مواردی نظیر انجام معالجه توسط پزشک، اشاره کرده است که ضمان قهری با اجازه منافاتی ندارد، همان‌طوری که اولیای بچه اجازه تأدیب دارند، اما اگر منتهی به فوت یا نقص شود، ضامن‌اند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۳، ص ۴۴ و ۴۵ و ۱۰۶). بنابراین فقها انگیزه تأدیب را مهم

دانسته‌اند، ولی حدودی برای آن قائل‌اند و صرف انگیزه تأدیب را رافع ضمان قهری نمی‌دانند.

کتک زدن برای انتقام‌جویی مجاز نیست، هرچند طبق شرایط قانونی باشد، مگر این‌که کتک زدن با انگیزه تأدیب انجام شود (نجیب حسنی، ۱۳۹۱، ص ۶۸ و ۶۹). ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی مقرر داشته است: «ابوین حق تنبیه طفل خود را دارند، ولی به استناد این حق نمی‌توانند طفل خود را خارج از حدود تأدیب، تنبیه نمایند».

بنابراین، انگیزه احسان تأدیبی رافع ضمان قهری است، ولی باید حدود تأدیب را رعایت کرد و در غیر این صورت، ضامن است. بند ۱ ماده ۱۵۸ ق.م.ا اقدامات والدین و اولیای قانونی و سرپرستان صغار و مجانین که به منظور تأدیب یا حفاظت آن‌ها انجام می‌شود، مشروط بر این‌که در حد متعارف و حدود شرعی تأدیب و محافظت باشد را قابل مجازات ندانسته است. بنابراین، انگیزه احسان تأدیبی به میزان متعارف و حدود شرعی محدود شده است. برای مثال، سرپرست صغیر نمی‌تواند حتی با انگیزه تأدیب، صغیر را بیش از حد متعارف و شرعی تنبیه نماید. همچنین، اقدام باید به منظور تأدیب یا محافظت باشد. مطابق مفهوم مخالف این ماده، اگر با انگیزه انتقام‌جویی اقدام کند، حتی با رعایت حدود متعارف و شرعی نیز ضامن است، زیرا انگیزه احسان تأدیبی می‌تواند رافع ضمان باشد و انگیزه نامشروع، رافع ضمان نیست. گاهی ابوین یا سرپرستان صغار در اثر خستگی ناشی از کار و امثال آن، حتی با رفتارهای متعارف فرزندان عصبانی می‌شوند و آن‌ها را تنبیه می‌کنند، درحالی‌که در این موارد، مرتکب فاقد انگیزه تأدیب بوده است و رفتار او مشمول احسان تأدیبی نمی‌شود. بنابراین تنها مواردی انگیزه مشروع تأدیب وجود دارد که ابوین برای متنبه کردن فرزند، او را تنبیه کنند تا فرزند از تکرار رفتار اشتباهش پرهیز کند.

۲-۲. تأثیر انگیزه مشروع در رفع ضمان قهری

به‌طور کلی در عوامل رافع ضمان قهری، نظیر احسان و دفاع مشروع، انگیزه مشروع مرتکب نهفته است. با این حال، انگیزه مشروع موضوعی کلی و جدای از سایر مصادیق نام‌برده می‌باشد، زیرا برای نمونه، در احسان، شخص محسن قصد خیرخواهی و احسان به

زیان‌دیده را دارد و در دفاع مشروع حتماً باید دفاع برای حفظ جان و مال و غیره و با رعایت شرایط قانونی آن باشد تا در قالب دفاع مطرح شود. اما انگیزه مشروع عنوانی کلی است و هر مصداقی از مشروعیت انگیزه را در بر می‌گیرد که در بررسی تخصصی این موضوع، بهتر است دقیق تفکیک شود. البته می‌توان برای تحلیل مناسب از قواعد و مصادیق ارائه‌شده سایر عناوین نیز استفاده نمود و به دلیل مشترک بودن ملاک آن، در مواردی وحدت ملاک گرفت.

هر امری که به موجب قانون باشد و مجری قانون آن را اجرا کند، باید حمل بر انگیزه مشروع مجری آن نمود. بنابراین قاضی که حکمی را صادر می‌کند، انگیزه‌اش اجرای قانون شمرده شده است و مشروع تلقی می‌شود، همین‌طور است مأمور اجرای حکم و امثال آن. این موضوع ذیل ویژگی‌های ضرر بررسی می‌شود که ضرر وارده باید نامشروع باشد و چنین ضررهایی مشروع تلقی می‌شود. اما از زاویه دیگر نیز می‌توان به آن نگاه کرد و آن همان انگیزه مشروع است که رافع ضمان قهری است و باید اصل را بر این گذاشت که انگیزه مجری قانون مشروع است. البته در این موارد نیز محدودیت‌هایی وجود دارد و نمی‌توان تقصیر در اجرای قانون را صرفاً با انگیزه مشروع رافع ضمان دانست. برای مثال، آورده‌اند که صرف توجه به انگیزه مشروع قاضی معیار تشخیص تقصیر قاضی نیست، حتی قاضی در صورت بی‌مبالاتی و اتخاذ تصمیمات شتاب‌زده یا دخالت دادن انگیزه‌های اخلاقی خود در پرونده و امثال آن نیز مسئول است (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۳۷۰).

در مواردی که قانون مجوز وارد کردن ضرر به دیگری را داده، در راستای اجرای اهدافی نظیر متنبه شدن مجرم، جبران خسارت ذی‌نفع، عدالت و امثال آن، انگیزه مشروع در آن نهفته است. به چند نمونه اشاره می‌کنیم. در موردی که مأمور اجرای احکام به دستور قاضی اجرای احکام به‌عنوان قاعده‌ای کلی با انگیزه مشروع در راستای احقاق حق محکوم‌له اقدامی قانونی علیه محکوم‌علیه انجام دهد که خود خسارتی به محکوم‌علیه است، مسئولیت جبران خسارت ندارد. نمونه جالب توجه دیگر مستند به ماده ۵۵ قانون دریایی مصوب ۱۳۴۳ کشورمان می‌باشد. این ماده قانونی در مورد عدم مسئولیت متصدی باربری و کشتی است. در قسمت «ل» بند ۲ این ماده یکی از موارد عدم مسئولیت متصدی باربری «نجات و مجاهدت برای نجات جان افراد و یا اموال در دریا» نام برده

شده است. به نظر نگارندگان، مطابق این ماده، هر گاه متصدی باربری با انگیزه مشروع نجات جان و مال دیگران، رفتاری مرتکب شود که به اموال در کشتی، خسارت وارد شود ضامن نیست. هر چند به صراحت در این قانون انگیزه مشروع نیامده، اما مشخص است که قانون‌گذار انگیزه مشروع شخص برای نجات جان و مال دیگران را موجب رفع ضمان در فرض ورود خسارت به اموال تحویلی دانسته است.

از بدیهی‌ترین مواردی که انگیزه مشروع در ضمان قهری تأثیر دارد دفاع مشروع است. بر هر شخصی واجب است در حد توانایی، از جان و مال و زن و فرزندان خود در برابر مهاجم دفاع کند. حتی دفاع از دیگران نیز توصیه شده است (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۱، ص ۶۵۰؛ خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۸۷؛ شهید اول، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۲۷۷؛ شهید اول، ۱۴۱۰، ص ۲۶۴ و ۲۶۵). برای دفاع مشروع باید ابتدا از آسان‌ترین روش استفاده کرد و در مراحل دفاع، باید از روش‌های آسان‌تر به آسان و سپس به مشکل و مشکل‌تر روی آورد (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۳، ص ۶۵۱؛ حلی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۵۷۱؛ خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۸۸؛ شهید اول، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۲۷۸). در قوانین مدونه نیز دفاع مشروع مورد تصریح قرار گرفته است. بر این اساس، اگر شخص در مقام دفاع و با رعایت شرایط قانونی، دفاع نماید و به مهاجم خسارتی وارد شود ضامن نیست. ممکن است حیوانی که در مالکیت دیگری است نیز مهاجم باشد که به طریق اولی دفاع مشروع در مقابل حیوان نیز رافع ضمان قهری است (حلی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۵۷۲؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۳، ص ۱۳۰؛ شهید اول، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۲۸۱). ماده ۳۳۰ ق.م.تلف یا ناقص کردن حیوان غیر را در مقام دفاع موجب ضمان قهری ندانسته است و ماده ۱۵ ق.م.م نیز دفاع مشروعی را که منجر به خسارت بدنی یا مالی به شخص متعدی شود، موجب ضمان قهری نمی‌داند. مطابق ماده ۱۵۶ ق.م.ا نیز دفاع مشروع از مسقطات مجازات و دیه است (نک: کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۳۱۳). البته دفاعی رافع ضمان قهری است که شرایط آن نظیر تناسب با حمله مهاجم و متعارف بودن رعایت شود. به عنوان قاعده کلی، اصل بر مسئولیت کیفری و ضمان قهری مدافع است و در فرض عدم اثبات شرایط دفاع مشروع، مرتکب ضامن است.

یکی از اساتید حقوق مطرح کرده‌اند که اسرار بیمار نزد پزشک امانت است و تکالیف ناشی از آن به عنوان چهره ویژه‌ای از تقصیر، ضمان‌آور است. ایشان پاسخ به این

مسئله را آسان ندانسته‌اند که آیا پزشک در همه حال موظف به حفظ اسرار بیمار است یا این تعهد محدود به رعایت سلامتی دیگران و مصالح عمومی نیز می‌باشد؟ آیا پزشکی که بیمارش مبتلا به ایدز است باید به فکر حفظ اسرار بیمار باشد یا سلامتی همسر وی؟ روانکاوای که بیمارشان قصد کشتن کسی را دارد، آیا مجاز به افشای این راز است؟ ایشان در جست‌وجوی معیاری برای این موضوع و رهایی از این دودلی توصیه نموده‌اند که پاسخ آزمایش‌ها و سایر مدارک پزشکی به خود بیمار داده شود تا دور از دسترس دیگران و مقام‌های عمومی باشد (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۶۲ و ۱۶۳). این توصیه به عنوان قاعده‌ای کلی محترم است، اما به نظر نگارندگان، واقعیت این است که در فرض‌های مطرح‌شده، به‌ویژه قصد بیمار مبنی بر کشتن شخص، باید دنبال معیار دیگری بود و این توصیه راهگشا نیست. به نظر می‌رسد باید سلامت دیگران و مصلحت عمومی را مهم‌تر دانست و انگیزه پزشک را نیز بر همین معیار جست‌وجو کرد. پزشکی که با انگیزه حفظ سلامتی همسر بیمار و حفظ جان دیگران، اسرار بیمار را فاش کند، به دلیل داشتن انگیزه مشروع ضامن نیست. البته پزشک باید حدود افشای راز را رعایت کند و فقط به کسانی که عرفاً و قانوناً ضرورت دارد، اطلاع دهد و فقط در موارد استثنایی اقدام نماید. در غیر این صورت، حتی منجر به بی‌اعتمادی به کادر پزشکی می‌شود و عواقب ناخوشایندی خواهد داشت. بنابراین در هر موردی که پزشک با انگیزه مشروع و رعایت حدود آن اسرار بیمار را فاش کند ضامن نیست. این ارجحیت در برخی از فتاوای مراجع تقلید نیز قابل ملاحظه است (برای نمونه نک: فاضل لنکرانی، بی تا، ص ۵۵ و ۵۶).

گاهی شخص برای پیشگیری از ورود ضرر به دیگری به حکم عقل و با انگیزه مشروع و در حدود عرف اقدام می‌کند. با این حال، کار او منجر به ضرر شخص ثالثی می‌شود. در این حالت، با وجود این که انگیزه مرتکب مشروع بوده، ولی چون هیچ شخص دیگری در این موضوع مقصر نبوده و رابطه سببیت نیز برقرار است، باید ضمان قهری را جاری دانست. با عنایت به این که در این فرض، خسارتی به دیگری وارد شده است، باید اصل جبران خسارت را جاری دانست و بر مبنای این اصل حکم داد. بنابراین در این مورد، انگیزه مشروع مرتکب، رافع ضمان قهری نیست. برای مثال، اگر کسی در حین رانندگی متوجه شود ترمز خودروی او از کار افتاده است و با انگیزه تصادف نکردن با مردم،

خودرو را به سمت دیگری هدایت کند و به خانه شخصی خسارت وارد کند، مکلف به جبران خسارت است، هرچند انگیزه او مشروع بوده باشد. البته اگر کسی با انگیزه نامشروع در ترمز راننده دست کاری کند و در نتیجه آن خسارتی وارد شود، راننده مسئول نخواهد بود، بلکه کسی که ترمز را دست کاری کرده ضامن است (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۳۲۴ و ۳۲۵).

همچنین به نظر می رسد در برخی از فرض هایی که تحقق ضرر ناشی از اضطراب است، می توان از شرایط رافع ضمان بودن انگیزه مشروع وحدت ملاک گرفت و در موردی که انگیزه مرتکب مشروع باشد جاری دانست. برای مثال، هر گاه شخصی در حالت اضطراب برای پیشگیری از سرایت آتش به خانه های دیگران، خانه یا مزرعه کسی را خراب کند و در این فرض نتوان کسی را مسئول ایجاد اضطراب شمرد، باید کسی را که برای حفظ اموال آن ها به آن خانه خسارت وارد شده به عنوان استیفا کننده بدون جهت ضامن شمرد و حتی در صورتی که او هم توان جبران خسارت نداشته باشد نباید مرتکب را ضامن دانست، زیرا نمی توان شخصی را که قصد نیکی کردن داشته است، ضامن دانست و قانون نیز باید از کسانی که احساس مسئولیت می کنند و سرنوشت خود را با دیگران مربوط می دانند حمایت کند (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ص ۳۳۴ و ۳۳۵). به نظر نگارندگان، از همین موضوع می توان در انگیزه مشروع نیز وحدت ملاک گرفت و با چنین وحدت ملاکی به عنوان قاعده ای کلی انگیزه مشروع شخص را رافع ضمان دانست.

هر گاه شخص مقید به اجرای احکام شرعی، در راستای اجرای امری که شارع اجازه داده است، اقدام نماید و بر اثر آن خسارتی وارد شود، انگیزه مشروع وی قابل بررسی است. سؤال این است که آیا در چنین موردی جواز شرعی و وجود انگیزه مشروع مبنی بر کاری که جواز شرعی دارد بر اساس قاعده «الجواز الشرعی ینافی الضمان»، رافع ضمان است یا این که برعکس به موجب قاعده «الجواز الشرعی لا ینافی الضمان»، شخص ضامن می باشد؟

در فقه گاه با صراحت، جواز شرعی رافع ضمان دانسته شده است (کاشف الغطاء، ۱۳۵۹،

ج ۱، ص ۵۷ و ۵۸؛ کاشانی، ۱۴۰۸، ص ۴۵؛ خمینی، بی تا، ج ۲، ص ۵۶۵). البته به نظر نگارندگان، در صورتی که شخص تعدی و تفریط نکرده باشد و یا تعدی در کار نباشد می توان اذن

شرعی را رافع ضمان دانست، بنابراین صرف وجود اذن شرعی رافع ضمان نیست. اما در مقابل، برخی از فقها آورده‌اند که جواز شرعی یا حتی وجوب شرعی رافع ضمان نیست (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۲، ص ۱۱۸؛ مراغی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۳۵؛ جمعی از مؤلفان، بی تا، ج ۵-۶، ص ۱۳۸).

مطابق این نظر، مجوز شرعی انجام یک کار یا وجوب شرعی آن، هیچ کدام ارتباطی با ساقط شدن ضمان قهری در فرض تحقق ضرر ندارد. بنابراین در صورت بروز خسارت، مرتکب باید جبران خسارت نماید و نمی‌تواند به استناد وجوب شرعی عمل خود یا جواز شرعی رفتارش، جبران خسارت نکند. این گونه نیز استدلال شده که میزان جواز شرعی تا جایی است که خسارت یا صدمه‌ای ایجاد نکند و الا شخص ضامن است (عاملی، ۱۴۲۷، ج ۹، ص ۵۵۱ و ۵۵۲؛ جمعی از مؤلفان، بی تا، ج ۳۵، ص ۴۸). برای مثال، در تأدیب، جواز شرعی تأدیب مشروط به سلامت است، که می‌توان آن را تحت عنوان حدود تأدیب مطرح کرد. حتی اگر انگیزه شخص تأدیب باشد و برای تأدیب اقدام نماید و به صورت اتفاقی طرف مقابل فوت شود، نمی‌توان جواز شرعی تأدیب را رافع ضمان وی دانست. علاوه بر این، هر گاه شخصی کاری دارای مجوز شرعی را با انگیزه مشروع انجام دهد و تصور کند به صرف این که مجوز شرعی دارد، حتی در صورت بروز خسارت ضامن نیست، رافع ضمان وی نمی‌باشد (بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۴۴). همچنین برای سقوط ضمان باید آن عمل مشروع و با اذن حاکم باشد (نک: نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۳، ص ۱۰۳؛ خمینی، بی تا، ج ۲، ص ۵۶۵)، که امروزه تجلی اذن حاکم در مقررات قانونی است. در صورتی که به حاکم دسترسی نباشد، با استناد به قاعده عدول مؤمنان و پس از آن با توجه به این که عموم مؤمنان موظف به انجام امور حسبی‌اند، عمل شخص دارای مجوز شرعی تلقی می‌شود و ضمان ساقط می‌گردد (حائری، بی تا، ج ۲، ص ۵۳۹؛ محقق داماد، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۳۰۷). برخی از فقها در مباحث خود، اذن شرعی را به احسان نیز مرتبط می‌دانند (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۳، ص ۳۱۴؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۱۱۷). به نظر نگارندگان، می‌توان این گونه توضیح داد: در مواردی که مصداق عملی جواز شرعی به مصلحت شخص است، نقش جواز شرعی لاینافی الضمان پررنگ‌تر به نظر می‌رسد. برای مثال، هر گاه شخصی در حالت اضطرار و برای حفظ جاننش خسارتی به مال دیگری بزند ضامن است و جواز شرعی را رافع ضمان وی نمی‌دانیم، هر چند در برخی موارد، اذن شرعی ضامن را نفی می‌کند، مانند دفاع

مشروع از خود با رعایت حدود آن. اما در مواردی نیز مصداق عملی جواز شرعی برای رعایت مصلحت دیگران است، نظیر دفاع مشروع از دیگری یا اقدام به امری برای مصلحت عابرین، که در این موارد، نقش جواز شرعی ینافی الضمان بیشتر مشهود است و به نوعی آن را به قاعده احسان نزدیک می کند. در هر حال، می توان گفت که هر گاه شخص انگیزه مشروع داشته باشد و حدود جواز شرعی را رعایت نماید، می توان به جواز شرعی ینافی الضمان استناد نمود. اما به طور کلی، جواز شرعی حتی با داشتن انگیزه مشروع رافع ضمان نیست و به موجب قاعده «الجواز الشرعی لا ینافی الضمان» در صورتی که مرتکب تقصیر داشته باشد موجب ضمان است و صرف انگیزه مشروع رافع ضمان مرتکب محسوب نمی شود.

حقیقت این است که «الجواز الشرعی ینافی الضمان» قاعده اولی است و هیچ کس در اجرای حق خودش ضامن نیست و مسئولیت مدنی ندارد.^۱ با این همه، اگر شخص در اجرای حق خود به دیگری ضرر غیرمتعارف وارد نماید، با حکومت قاعده لاضرر بر احکام مؤسس جواز و حق، این احکام رفع می گردند و جواز شرعی و حق ذی حق مرتفع می شوند و این جاست که به طور استثنایی، جواز شرعی دیگر رافع ضمان نیست و می توان گفت: «الجواز الشرعی لا ینافی الضمان». در حقوق غربی، قاعده سوءاستفاده از حق^۲ نقش قاعده لاضرر را در این زمینه بازی می کند (نک: کریمی، ۱۳۹۳، ص ۱۳۵؛ کریمی و شعبانی، ۱۳۹۳، ص ۲۰۷).

نتیجه گیری

در فقه امامیه و حقوق ایران اصل بر مسئولیت بدون تقصیر است و به طور کلی، انگیزه در تحقق ضمان قهری نقشی ندارد. با این حال، انگیزه مشروع در ضمان قهری مؤثر است و هر گاه کسی به دیگری ضرر بزند، اما دارای انگیزه مشروع باشد، انگیزه مشروع او سبب رفع ضمان قهری است. البته محدودیت هایی برای استناد به مشروعیت انگیزه جهت رفع ضمان قهری وارد شده است که شامل رعایت مقررات قانونی، موازن فنی، اصول ایمنی

۱- همان که در حقوق غرب در قالب عبارت زیر آمده: "Nul nest tenu dans l'exercice de son droit"

2- Abus de droit

و رعایت حدود متعارف و عدم تقصیر می‌باشد. از مصادیق بارز تأثیر انگیزه مشروع، احسان اعم از احسان به عموم، احسان به شخص معین و احسان تأدیبی است. در مورد ضرورت وجود انگیزه احسان اختلاف هست و سه فرض قابل تصور است: الف. صرف وجود انگیزه احسان را کافی بدانیم؛ ب. فقط به انطباق رفتار با واقعیت توجه کنیم، حتی بدون انگیزه احسان؛ ج. هم انگیزه احسان لازم است و هم انطباق عمل با واقعیت. در پایان، این نتیجه حاصل شد که نظر سوم صحیح‌تر است و با حقوق ما نیز سازگارتر. بنابراین شخصی که با انگیزه احسان به دیگری اقدام می‌نماید، اما از روی اتفاق خسارتی وارد می‌شود ضامن نیست، مگر در صورتی که احسان او با واقعیت منطبق نباشد یا در تنبیه خارج از حدود تأدیب تنبیه نماید. همچنین هر کجا انگیزه مشروع باشد، به‌ویژه در دفاع مشروع، انگیزه سبب رفع ضمان قهری است، ولی در این حالت نیز باید شرایط دفاع مشروع رعایت شود. علاوه بر این، با وحدت ملاک گرفتن از مصادیق احسان و دفاع مشروع که از بارزترین مصادیق انگیزه مشروع می‌باشند، می‌توان قواعد آن‌ها را به‌عنوان قاعده‌ای کلی در تمام مواردی که انگیزه مرتکب، مشروع باشد جاری دانست، حتی اگر در قالب دفاع مشروع و احسان قرار نگیرد. در صورت تردید نسبت به این که آیا شخص، محسن محسوب می‌شود یا ضامن است و این که آیا دفاع مشروع همه شرایط آن را داشته یا ضمان قهری جاری است، باید با جاری ساختن اصل عدم و فرض عدم وجود احسان و یا عدم وجود شرایط دفاع مشروع، ضمان قهری را جاری دانست. همچنین به‌موجب قاعده «الجواز الشرعی لا ینافی الضمان»، صرف وجود انگیزه مشروع رافع ضمان نیست و مرتکب در صورت تقصیر ضامن است. هرچند «الجواز الشرعی ینافی الضمان» قاعده اولی است و هیچ کس در اجرای حق خودش ضامن نیست، اما در صورت ایراد ضرر غیرمتعارف، قاعده لاضرر بر جواز شرعی حکومت کرده است و به‌طور استثنایی جواز شرعی دیگر رافع ضمان نیست و «الجواز الشرعی لا ینافی الضمان» جاری می‌شود.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. امامی، سیدحسن. (۱۳۹۰ش). حقوق مدنی، تهران: اسلامیه.

۳. بجنوردی، سیدحسن. (۱۴۱۹ق). القواعد الفقهية. قم: نشر الهادی.
۴. بجنوردی، سیدمحمد. (۱۴۰۱ق). قواعد فقهیه، تهران: عروج.
۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۸۸). ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش.
۶. جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، سید محمودهاشمی. (۱۴۲۳ق). موسوعة الفقه الإسلامي طبقاً لمذهب أهل البيت عليهم السلام. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).
۷. جمعی از مؤلفان. (بی تا). مجلة فقه أهل البيت عليهم السلام (بالعربية)، (ج ۵- ۶ و ۳۵، ج ۱). قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت عليهم السلام.
۸. حائری طباطبائی، سید علی بن محمد. (بی تا). ریاض المسائل، (ط - القدیمة). قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
۹. حلی، حسن بن یوسف (علامه). (۱۴۱۳ق). قواعد الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام، قم: انتشارات اسلامی.
۱۰. خزائی، احمدرضا؛ لطفی، جواد. (۱۳۹۸ش). قاعدة احسان و اسباب اصلی ضمان. مطالعات فقه اقتصادی، (۱) ص ۲۸-۱. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.26767163.1398.1.1.1.6>
۱۱. خمینی، سید روح الله موسوی. (۱۴۱۵ق). المكاسب المحرمة. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره.
۱۲. خمینی، سید روح الله موسوی. (بی تا). تحرير الوسيلة. قم: دارالعلم.
۱۳. رشتی، میرزا حبیب الله، (بی تا). كتاب الغصب، بی جا: بی نا.
۱۴. زراعت، عباس. (۱۳۹۰ش). قواعد فقه مدنی. تهران: جنگل.
۱۵. زراعت، عباس، (۱۳۸۳ش). انگیزه و تأثیر آن در مسئولیت کیفری. ماهنامه دادرسی، ۸(۴۸).
۱۶. سبزواری، سید عبدالأعلى. (۱۴۱۳ق). مهذب الأحكام. قم: المنار.
۱۷. سروی مجد، علی. (۱۳۹۳ش). ابعاد فرهنگ احسان در قرآن و سنت. فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات، ۱۵(۲۵)، ص ۱۹۷-۲۱۶.
۱۸. شوشتری، سید محمدحسن مرعشی. (۱۴۲۷ق). دیدگاه های نو در حقوق، تهران: میزان.
۱۹. شهید اول، محمد بن مکی عاملی. (۱۴۱۰ق). اللمعة الدمشقية فی فقه الإمامية. بیروت: دار التراث - الدار الإسلامية.
۲۰. شهید اول، محمد بن مکی عاملی. (۱۴۱۴ق). غاية المراد فی شرح نکت الإرشاد. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲۱. شهیدثانی، زین الدین بن علی عاملی. (۱۴۱۳ق). مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
۲۲. شیرازی، قدرت الله انصاری؛ پژوهشگران مرکز فقهی ائمه اطهار عليهم. (۱۴۲۹ق). موسوعة أحكام

۲۳. الأطفال و أدلتها، قم: مركز فقهی ائمه اطهار عليهم السلام.
۲۴. طاهری، حبیب الله (۱۴۱۸ق). حقوق مدنی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۵. طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷ق). المبسوط فی فقه الإمامیه. تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
۲۶. عاملی، سید محمدحسین ترحینی. (۱۴۲۷ق). الزبدة الفقهية فی شرح الروضة البهية. قم: دار الفقه للطباعة و النشر.
۲۷. عمید، حسن. (۱۳۹۱ش). فرهنگ فارسی عمید. تهران: میلاد.
۲۸. فاضل لنکرانی، محمد. (بی تا). احکام پزشکان و بیماران، بی جا: بی نا.
۲۹. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۶ش). الزام‌های خارج از قرارداد، ضمان قهری، مسئولیت مدنی، غصب و استیفا. تهران: دانشگاه تهران.
۳۰. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۲ش). الزام‌های خارج از قرارداد، (ج ۱، ج ۲). تهران: دانشگاه تهران.
۳۱. کاشانی، حاج آقارضا مدنی. (۱۴۰۸ق). کتاب الدیات، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۲. کاشف الغطاء، محمدحسین بن علی بن محمد رضا نجفی. (۱۳۵۹ق). تحريرالمجلة، نجف اشرف: المكتبة المرتضوية.
۳۳. کرمانشاهی، آقا محمدعلی بن وحید بهبهانی. (۱۴۲۱ق). مقام الفضل. قم: مؤسسه علامه بهبهانی.
۳۴. کریمی، عباس. (۱۳۹۳ش). «مطالعه تطبیقی بین حقوق ایران و فرانسه در خصوص حق موضوع سوءاستفاده در حقوق قراردادها»، در: گروهی از مؤلفان. حقوق مدنی تطبیقی. تهران: سمت.
۳۵. کریمی، عباس؛ شعبانی کندسری، هادی. (۱۳۹۳ش). رابطه منطقی قاعده فقهی لاضرر و قاعده غربی سوءاستفاده از حق. فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب. ۱(۲)، ص ۱۳۵-۱۶۶.
۳۶. لطفی، اسداله. (۱۳۷۹ش). موجبات و مسقطات ضمان قهری در فقه و حقوق مدنی ایران. تهران: مجد.
۳۷. مجلسی، محمدباقر. (بی تا). حدود و قصاص و دیات، تهران: مؤسسه نشر آثار اسلامی.
۳۸. محقق حلی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۸ق). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام. قم: اسماعیلیان.
۳۹. محقق داماد، سید مصطفی، (۱۴۰۶ق). قواعد فقه، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۴۰. محمدی، آریتا. (۱۳۹۹ش). بررسی و تحلیل قاعده احسان و نقش مسئولیت مدنی در این قاعده. دوفصلنامه بین المللی تحقیقات حقوق قضایی، ۱(۲)، ص ۶۸۷-۷۰۵.

<https://doi.org/10.22091/csiw.2015.567>

۴۱. مراغی، سید میر عبدالفتاح بن علی حسینی. (۱۴۱۷ق). العناوین الفقهیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۲. مصطفوی، سید محمد کاظم. (۱۴۲۱ق). مائة قاعدة فقهیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۳. مطهری، شهید مرتضی. (بی تا). فقه و حقوق (مجموعه آثار). قم: بی نا.
۴۴. معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه. (۱۳۸۹ش). مجموعه نظریات مشورتی فقهی امور کیفری. تهران: جنگل.
۴۵. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۹۱ش). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۶. نجفی، محمد حسن. (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۴۷. نجیب حسنی، محمود. (۱۳۹۱ش). رابطه سببیت در حقوق کیفری، (ترجمه عباس نیای زارع، سید علی). مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۴۸. نصوری، مزدک. (۱۳۹۷ش). قاعدة احسان و نقش آن در معافیت از جبران خسارت. دو ماهنامه علمی تخصصی پژوهش در هنر و علوم انسانی، ۳(۴)، ص ۶۷-۷۸.
۴۹. هوشمند فیروزآبادی، حسین؛ خزائی، میثم؛ جاور، حسین؛ امرائی، ایوب. (۱۳۹۹ش). تحلیل فقهی حقوقی برخی اسباب معافیت از مسئولیت مدنی در قرآن. آموزه های فقه مدنی، ۱۲(۲۱)، ص ۲۷۵-۳۰۲. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.2251936.1399.12.21.11.8>
۵۰. یزدانیان، علیرضا؛ ثقفی، مریم. (۱۳۹۳ش). مسئولیت مدنی بیماران مبتلا به بیماری های واگیردار، آموزه های فقه مدنی، ۶(۱۰)، ص ۳۱-۵۰.